



الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه

سید مهدی موسوی^۱

نعمت الله کرم اللهی^۲

حمید پارسانیا^۳

چکیده

«انتزاعی بودن و انسلاخ از حیات اجتماعی» ویژگی مهم و البته غیرذاتی دانش کلام اسلامی است که نگاه نقادانه آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای رحمته الله علیه را به عنوان یک اسلام شناس روشن فکر برانگیخته و ایشان را بر آن داشت تا طرحی نو در الهیات اسلامی دراندازد. این طرح ایجابی با بازخوانی دین به مثابه یک دستگاه معرفتی که در سطح دانش کلامی و الهیات اجتماعی و در قالب «مسئله اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها» صورت بندی شده است. بنیان اساسی این «الهیات اجتماعی»، درهم تنیدگی دین در بنیادی ترین وجه آن با زندگی و حیات اجتماعی است که بر اساس یک شبکه مفهومی توحیدی به حیات و عمل انسان هویت، نظم و هماهنگی می دهد. با توجه به طرح فکری آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، «توحید» کلیدی ترین مفهوم است که در همه شریان های حیات بشری جریان می یابد. توحید نه یک بینش فلسفی صرف، بلکه شیوه ای برای زیست انسانی، یک دکرین اجتماعی و پیشنهاد قواره و قالبی برای «جامعه» است که خطوط اصلی و اصول بنیانی آن ها را بیان می کند و انسان را از جامعه های ناسازوار و بی قواره جاهلی و طاغوتی که بر جهل استوارند، می رهاند و زندگی را کد انسان در اجتماع را دگرگون می سازد. در دل توحید، نمادهای روانی و بنیان های اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی نهفته است؛ بنابراین، توحید سازنده یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوین است که می تواند

۱. محقق و پژوهشگر حوزه علمیه قم، دکتری فلسفه علوم اجتماعی

۲. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

۳. استاد تمام دانشگاه تهران



□ دوفصلنامه تحقیقات انقلاب اسلامی / سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ □

معنابخش و الهام‌بخش الهیات عملی کارآمد باشد.

واژگان کلیدی: الهیات عملی، الهیات اجتماعی، توحید عملی، نظریه اجتماعی، جامعه
توحیدی، آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای علیه السلام



الهیات عملی از جمله رویکردهای نوین الهیاتی است که در جهان غرب با رویکردهای تجویزی مطرح شده است و سال‌های اخیر نیز وارد جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی شده است. هرچند این مقوله با این صورت‌بندی امری جدید است، اما ظرفیت‌های فراوانی در سنت اسلامی و منابع دینی وجود دارد که می‌تواند زمینه طرح علمی این‌گونه موضوعات باشد. از جمله شخصیت‌هایی که در آثار مکتوب و بیانات خود همواره از منظر الهیاتی به مقوله عمل و زیست مؤمنانه توجه کرده است، آیت الله سیدعلی خامنه‌ای رحمته الله علیه است. ورودهای الهیاتی و دین‌شناسانه ایشان به مقولاتی همچون رنج‌های پس از بلاهای طبیعی، بحران‌های زیست‌محیطی، روابط دینی همسران در خانواده، کمک‌های مؤمنانه در بحران‌ها و بیماری‌های همه‌گیر، همگی نشان از اهتمام ایشان به این‌گونه مباحث دارد. مجموع اندیشه‌ها و تأملات آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه یک «منظومه معرفتی» و «دستگاه فکری» است که در درون خود شبکه‌ای منسجم و سازوار از مفاهیم و گزاره‌ها را جای داده است و در پیوند متقابل و متوازن مفاهیم و تفسیر هماهنگ از هستی، انسان و پدیده‌ها ارائه شده است. هدف از این منظومه معرفتی تأمین حضور فعال فکری و عملی انسان در صحنه زندگی است. این مقاله درصدد توصیف و تحلیل نظریه آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در مواجهه الهیات با عمل و زندگی انسانی است. در پایان این مقاله، روشن می‌شود که «الهیات اجتماعی» به مثابه یک نظریه دو وجهی کلامی-اجتماعی به عنوان یک چهارچوب نظری قابل طرح است که طبق آن، مبانی کلامی مستقیماً در عملی‌ترین ساحت‌های حیات اجتماعی و عرصه‌های زندگی امتداد خواهند یافت.

۱. چرایی و چیستی الهیات عملی در جامعه غربی

حضور دین در زندگی مردم و نقش آفرینی آن در عرصه‌های مختلف همواره از اهمیت



ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به خصوص آن هنگام که با سایر نهادهای اجتماعی به تعامل و تقابل برآمده است. اگرچه در عصر روشنگری به واسطه اولویت یافتن عقل خودبنیاد تلاش علمی و عملی گسترده‌ای شد تا دین از حوزه عمومی کنار گذاشته و به حوزه شخصی رانده شود، اما هیچ‌گاه دین از صحنه رقابت با عقل مدرن خارج نشد و هماهنگ با تأملات فلسفی مدرن، صورت‌های جدیدتری از آن توسط الهی‌دانان مذاهب مختلف آشکار شد. یکی از آن صورت‌ها، «الهیات عملی»^۱ است که در ادامه شکل‌گیری «الهیات شبانی» در کلیسای کاتولیک برای شناخت و آموزش مهارت‌های ارتباطی بهتر کشیشان با مردم در برابر جریان مسیحیت پروتستان بود تا بتوانند با روابط صمیمانه اعتماد و رضایت مردم را جلب کنند. پس از شکل‌گیری عصر روشنگری و تردید در کارآمدی دین در حوزه عمومی، کلیسای کاتولیک تلاش کرد تا الهیات شبانی را گسترش دهد و با برجسته کردن غایت خدمت‌رسانی در قالب طرح الهیات عملی توانست ارتباطش را با جهان مدرن گسترش دهد؛ البته مسیحیت پروتستانی نیز در این زمینه تلاش‌هایی انجام داد و توسط الهی‌دانان پروتستان همچون کشیش لوتری و شلایرماخر در عرض الهیات فلسفی و الهیات تاریخی، صورتی از الهیات عملی صورت‌بندی شد و به تدریج در جریان‌های تبشیری مسیحیت گسترش یافت. در مجموع، الهیات عملی با مردم در بستر واقعیت‌ها و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارتباط دارد و مسائل مردم در زمینه و زمانه شکل‌گیری آن‌ها را شناسایی و دسته‌بندی کرده و برای یافتن پاسخ به بخش نظری و فلسفی یا همان بخش الهیات نظری ارجاع می‌دهد. هدف الهیات عملی، حضور پررنگ الهیات در زندگی و تأثیرگذاری بر عمل و شیوه‌های رفتاری بر اساس احساسات خیرخواهانه نسبت به افراد جامعه است. در این رویکرد، اصول راهبردی فعالیت‌های عبادی و اجتماعی کلیسا در راستای تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه و همچنین تقویت روابط کلیسا با مردم تبیین، تجویز و آموزش داده می‌شود.

1. Practical theology.



۲. عدم اختصاص الهیات عملی به الگوی مسیحی

اگرچه الهیات عملی با این صورت‌بندی پدیده‌ای غربی-مسیحی است و ریشه در تحولات مسیحیت و کشورهای غربی در چند سده گذشته دارد، اما اصل و ذات آن مسیحی و غربی نیست، بلکه به جوهره دین و دین‌داری وابسته است؛ توضیح اینکه هر دینی حداقل از دو بخش معرفتی تشکیل شده است: بخش اول، معرفت ناظر به عقاید و بخش دوم، معرفت ناظر به وظایف است. دین از حیث عقیده، توصیف و تبیینی از جهان، خدا و انسان ارائه می‌دهد و در بخش «وظایف» به تجویز مجموعه‌ای از تکالیف، تعهدات و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد تا به غایت دین‌داری که ارتباط با خداوند است منتهی شود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۷۳۹)؛ حتی در بسیاری از تعاریف غیردینی، به نقش عمل و تجویزهای هنجاری در هویت دین اشاره شده است (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۶۳؛ همیلتون، ۱۳۹۲، ص ۲۹)؛ بنابراین، دین با عمل ارتباط تنگاتنگی دارد و همواره نحوه مواجهه با مردم و چگونگی تحقق آموزه‌های دینی در زندگی انسان در کانون دغدغه ارباب ادیان و الهی‌دانان بوده است. البته کمیت و کیفیت این توجه در هر زمانی متناسب با نیازهای عصر و اقتضائات محیطی و اجتماعی بوده است؛ بنابراین، نمی‌توان اصل مقوله الهیات عملی را پدیده‌ای جدید و متعلق به دنیای غرب و مسیحیت دانست، بلکه می‌توان نمونه‌ها و الگوهای متفاوتی از الهیات ناظر به عمل را در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف مشاهده کرد. این الگوها گاه به صورت ارتکازی و غیرآگاهانه است؛ به این معنا که الهی‌دان به مقوله عمل و نحوه ارتباط با مردم و پرسش‌های زمان خود توجه دارد و متناسب با آن در متن مباحث الهیاتی و تبلیغی خود بدان پرداخته است، اما صورت‌بندی نظری از آن ارائه نداده است؛ اما گاه این پرداختن به عمل و مردم به صورت آگاهانه است و الهی‌دان به ضرورت و اهمیت آن پی برده است و ضمن آسیب‌شناسی دستگاه کلامی و الهیاتی برای صورت‌بندی الهیات ناظر به عمل و مردم تلاش علمی و عملی انجام داده است.



۳. الهیات عملی در جامعه اسلامی

از جمله جوامعی که همواره به نسبت میان الهیات و عمل و چگونگی ارتباط اهل دیانت با مردم توجه ویژه داشته است، جامعه اسلامی است. از آغاز جریان الهیات اسلامی این اهتمام در آثار و اندیشه‌های برخی از متکلمان و حکیمان مسلمان قابل رصد است. ایزتسو، در فصل نهم از کتاب «مفهوم ایمان در کلام اسلامی» پرسش از نسبت عمل به ایمان را یکی از مسائل درازدامنه و طولانی در الهیات اسلامی مطرح می‌کند (ایزتسو، ۱۳۸۹، صص ۲۱۵-۲۵۴). این آگاهی و صورت‌بندی نظری را می‌توان در جریان «احیای تفکر دینی» مشاهده کرد؛ جریانی که با سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد و به سرعت در کشورهای اسلامی گسترش یافت و به پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران و شکل‌گیری جبهه مقاومت منتهی شد. متفکران وابسته به این جریان فکری همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد اقبال لاهوری، امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی، سیدموسی صدر و جمع کثیر دیگری در آثار مختلف خود و به صورت آگاهانه، ضرورت بازخوانی و بازسازی الهیات اسلامی در نسبت با نیازهای انسان معاصر و اقتضائات زمان و مکان را متذکر شده‌اند و در راستای آن تلاش علمی و نظری قابل توجهی انجام داده‌اند. به طور نمونه، امام خمینی رحمته‌الله با استناد به آیات قرآن کریم و مباحث فلسفی «نفس» معتقد است که در «عقل نظری» و «عقل عملی» عمل لازم است، همچنان که عقل عملی هم به عقل نظری برمی‌گردد، عقل نظری نیز به عقل عملی برمی‌گردد لذا در عقل نظری هم که کارش درک و علم است، عمل لازم است (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۴۱)؛ همچنین شهید مطهری در کتاب «احیای تفکر اسلامی» یکی از مشکلات الهیات و تفکر مسلمین را غفلت از مقوله «عمل» می‌داند و تلاش گسترده‌ای برای بازسازی این مفهوم در تفکر اسلامی کرده است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۵، ص ۴۳۵؛ همو، ۱۳۹۴، صص ۱۴۷-۱۶۸؛ همو، ۱۳۹۱، ج ۱۴، ص ۱۸۳).



از جمله متفکران مهم وابسته به این جریان فکری، آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه است. ایشان هم اهداف و فرایند این جریان فکری را توصیف کرده است و هم در صورت بندی نظری و علمی الهیات ناظر به اجتماع و عمل تلاش گسترده‌ای انجام داده است که مورد اقبال بسیاری از متفکران و الهی دانان معاصر همچون استاد شهید مطهری واقع شده است (بهبودی، ۱۳۹۱، ص ۴۶۴ و صص ۴۷۶-۴۷۷؛ حداد عادل، ۱۳۹۰، ص ۶۲) و امام خمینی رحمته الله علیه ایشان را به عنوان جایگزین استاد مطهری در دانشگاه تهران و در ارتباط با نسل جوان و دانشگاهی معرفی کرده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۴۱). آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه با تدوین و تألیف کتاب های مهمی به تقویت الهیات و تفکر اسلامی پرداخت؛ کتاب ها و آثاری نظیر: «تاریخ و پیشینه حوزه علمیه مشهد» در سال ۱۳۴۶، «نقش مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» در سال ۱۳۴۷، «گفتاری در باب صبر» در سال ۱۳۵۰، «از ژرفای نماز» در سال ۱۳۵۱، «هم‌زمان حسین علیه السلام» در سال ۱۳۵۱، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» در سال ۱۳۵۳ و «روح توحید نفی عبودیت غیرخدا» در سال ۱۳۵۳؛ همچنین باید به کلاس های تفسیر قرآن و تفسیر نهج البلاغه ایشان اشاره کرد که با رویکرد اجتماعی و عملی سعی در تفسیر و بازخوانی متون مقدس اسلامی دارد.

به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه، حرکت نوین کلامی که از سید جمال الدین اسدآبادی آغاز شده و تا زمان او ادامه یافته است، اندیشه ای نوین ناظر به عمل و همچنین تفکری مهاجم نسبت به بنیاد الحاد و تحریف در دین بوده است که می تواند:

۱. به ادیان وابسته به قدرت ها، به مادی گری و کفر و الحاد غرب و شرق تهاجم علمی و نظری کند و فروبست های آن ها را آشکار کند.
۲. می تواند انقلاب مردمی برپا کند و توده مردم را از روابط ظالمانه و نامتوازن نجات دهد.

۳. اقتضا های عجیب و پرسش های لاینحل جوامع جهانی را حل کند.



۴. می‌تواند تکنولوژی عظیم غرب را که جسدی بی‌روح است، جان، روح و جهت تازه و متعالی بدهد و جهان انسانی و طبیعی را از بحران‌های دست ساخت بشر نجات دهد.

به نظر ایشان انتزاعی‌بودن و انسلاخ از حیات اجتماعی، گرفتارشدن به بحث‌های انتزاعی، حاشیه‌ای به دور از زندگی مردم و درگیری‌های فرعی بی‌ارتباط با عمل انسانی در الهیات و کلام دینی علت ضعف بُعد سازندگی و تهاجمی دین می‌شود و متفکران دینی را در موضع دفاعی قرار می‌دهد؛ لذا اندیشه‌های غیردینی و مکاتب فکری الحادی از این فرصت استفاده می‌کنند و شبهات خود را در جامعه می‌پراکنند و پس از آن است که متکلم و الهی‌دان متوجه می‌شود و تازه باید بنشینند و از دین دفاع کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶) به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، الهی‌دان مسلمان در نقش مصلح اجتماعی و روشن فکر اسلامی باید به تبیین دین در عصر جدید بپردازد و تلاش کند تا مسائل عصری را از سطح بالاتری به درستی تشخیص دهد و برای این مسائل با مراجعه به منابع اصیل دین، راه‌حل‌های دینی ارائه دهد. متفکر مسلمان، نه یک «موجود مجرد و برج عاج‌نشین» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۵۳) و نه به دنبال عصری‌سازی دین، بلکه در پی دینی‌سازی عصر و زمانه است که در آن قرار گرفته است؛ یعنی با مردم زندگی می‌کند و «از زندگی مردم، از تلخی‌های مردم، از رنج‌های مردم، از گله‌های مردم، از خواست‌های مردم، از نواقص مردم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۵۴) یاد می‌گیرد و سپس به دین مراجعه می‌کند و دین را با روش‌های عمیق و اجتهادی می‌شناسد و از آن منظر به مسائل عصری انسان معاصر پاسخ می‌دهد و فقط به پاسخ نظری اکتفا نمی‌کند، بلکه از طریق ارتباط عمیق با مردم به اقناع‌سازی آن‌ها، گفتمان‌سازی و همراه‌سازی آن‌ها برای ساخت جامعه اقدام می‌کند.

۴. چستی عمل

نقطه آغازین تأملات الهیاتی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام مفهوم «عمل» است، چراکه



ایشان در آغازین درس‌گفتار «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و در جملات ابتدایی متن نگارشی آن نوشته‌اند: «تلاش و حرکت که فلسفه بودن آدمی است ...» (خامنه‌ای، ۱۳۵۴، ص ۱۱؛ همو، ۱۳۹۵، ص ۵۵) و سپس در متن درس‌گفتار بحث خود را از تفاوت نگاه مسیحیت کلیسایی و اسلام به مقوله «عمل» شروع می‌کنند. ایشان نگاه اسلام را در تضاد با نگاه مسیحیت کلیسایی و محوریت مفهوم «رهبانیت» در شبکه معنایی آن دین می‌دانند و تصریح می‌کنند که رهبانیت بدعتی در حقیقت دین مسیح است و در عالم اسلامی وجود ندارد، بلکه اساس تعالیم اسلام عمل مسئولانه و متعهدانه نسبت به همه افراد اجتماع است؛ عملی که به نجات غرق‌شدگان بینجامد. ایشان با استناد به آیات قرآن کریم تبیین می‌کنند که رحمت پروردگار به عمل تعلق می‌گیرد و فقط آن وقتی بر فرد و جامعه نازل می‌شود که ملتی به مسئولیت خودش عمل کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۴۵) و مغفرت الهی نیز نوعی رحمت برای التیام‌دادن، جبران‌کردن و پُرکردن خلأهای رفتاری و اعمال مؤمنان است (همان، صص ۴۸-۴۹). در فصل اول و دوم کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» عمل در درون یک نظام معنایی صورت‌بندی شده است به نحوی که مفاهیمی همچون تقوا، توبه، انفاق و ذکر الهی در کنار آن نشسته‌اند و به نوعی پیوند معنایی میان آن‌ها و عمل، حرکت و تلاش برقرار است؛ بنابراین، به نظر آیت الله خامنه‌ای علیه السلام:

«عمل یکی از مسائل بسیار مهم است» (همان، ص ۵۳).

در دستگاه فکری آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، عمل و کار معنای موسعی دارد و هر حرکت و تلاشی را که برای هدف و غایت عقلایی و سودمندی باشد، شامل می‌شود و در ادبیات قرآنی و اسلامی به آن «عمل صالح» گفته می‌شود و هر عمل صالح و کاری که غایت عقلایی داشته باشد رتبه والایی دارد. ایشان تصریح می‌کنند که هر عمل و کاری که با وجدان کاری، احساس مسئولیت، جدیت، تلاش و نوآوری همراه باشد، عمل صالح است و شامل عمل و کار با هدف اداره زندگی یک عائله و



کسب درآمد زندگی هم می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۲/۴)؛ همچنین هر حرکت و اقدام کلامی و عملی در جهت استقلال و رشد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها و ملت‌ها باشد و همچنین هر کاری که در جهت وحدت و اقتدار امت اسلامی و ترویج علم و رشد دادن جوان‌ها باشد و هر فعالیت مهم اقتصادی در جهت کمک به مردم، کمک به مستضعفین و کمک به فقرا انجام بگیرد، عمل صالح است؛ و همچنین هر حرکتی که در جهت گسترش عقلانیت، معنویت، تبلیغ حقایق و مقابله با موهومات و خرافات انجام بگیرد، عمل صالح است و از هویت و ارزش دینی برخوردار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۸/۲۴).

در طرح آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، هستی و هویت عمل به تحرکات جوارحی و جوانحی نیست و آن‌ها فقط ماده و جنس اولیه عمل را شکل می‌دهند، بلکه صورت حقیقی و فصل عمل را آگاهی و اراده انسان می‌سازد. از آنجا که انسان موجودی با قدرت آگاهی و اراده است، اعمال او دارای غایت و غرض است و همین غایت و هدف تعیین‌بخش نوع عمل و عامل تمایزبخش هر عملی از سایر اعمال مشابه از کنشگران دیگر می‌شود. با تغییر غرض و قصد کنشگر، هستی عمل و هویت طریق انسان تغییر می‌کند، هرچند ماده عمل و تحرکات روحی و بدنی آن تغییر نکند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸)؛ بنابراین، آنچه هستی و هویت عمل را شکل می‌دهد و موجب تمایز از عمل‌های مشابه می‌شود، غایت و قصد کنشگر است که در زبان دینی از آن به «نیت» تعبیر می‌شود و همان عامل ارزش‌یابی عمل و پیشروی در زندگی و جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۳/۲۴)؛ اما نکته مهم‌تر این است که قصد کنشگر از عمل، مقوله‌ای فردی و جزیره‌ای و منفک از سایر اعمال و سایر مقاصد او نیست، بلکه قصد انسان از هر عملی با شبکه مقاصد و معانی نهفته در ذهن او مرتبط است. به تعبیر دیگر، هر انسانی مجموعه‌ای از اهداف، آرمان‌ها، معانی و مفاهیم را در ذهن خود دارد که معمولاً میان آن‌ها ارتباطات و پیوستگی‌هایی وجود دارد که محصول پیوستگی و وابستگی انسان به مکتب یا شخص و مرکزی است



که آن تأمین‌کننده حوزه‌هایی از معانی و مفاهیم متعدد است. انسان در ارتباط با آن مرکز مجموعه‌ای از معانی و مفاهیم را اخذ و درونی می‌سازد. انسان این معانی و مفاهیم را به صورت جزیره‌ای و جداگانه دریافت نمی‌کند، بلکه معمولاً شبکه‌ای از معانی و مفاهیم را اخذ می‌کند و به آن‌ها باور ذهنی و گرایش قلبی پیدا می‌کند و بر اساس آن‌ها زندگی و خودش را معنا می‌کند؛ براین اساس، نوع متناسبی از حرکت و تلاش را دستورکار خود قرار می‌دهد. این پذیرش و گروهی که معنادهنده به زندگی و کنش آدمی است، «ایمان» نام دارد. آیت الله خامنه‌ای رحمته الله در طرح الهیاتی خود پس از پردازش عمل به سرعت پای «ایمان» را به معرکه می‌کشاند و آن را شرط لازم عمل آدمی و نقطه آغازین و سکوی پرش تلاش و حرکت معرفی می‌کنند. به نظر ایشان، اساس پایداری و فرجام هر عمل و کنشی و همچنین عامل پویایی و حرکت هر کنشگر و پوینده‌ای «ایمان» است و بدون آن، عمل ناپایدار و نافرجام و کنشگر بی‌نشاط، راکد و خموش است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴، ص ۱۱؛ همو، ۱۳۹۵، ص ۵۵)؛ از این روست که ایشان بلافاصله از عمل پلی به ایمان می‌زنند و میان آن دو نوعی هم‌نشینی و پیوستگی معنایی قائل‌اند؛ امری که ریشه در هم‌نشینی این دو مفهوم در قرآن کریم دارد (عصر، ۳). آیت الله خامنه‌ای رحمته الله، تلاش گسترده‌ای را برای کشف فرهنگ قرآنی و نظام معنایی حاکم بر آیات ایمان قرآن کریم داشته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۱۴۰-۱۴۱)، چراکه معتقدند قرآن یک فرهنگ اختصاصی دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹).

۵. چیستی ایمان

از آنجا که ایمان تعین‌بخش به هستی عمل و سازنده هویت آن است، در طرح الهیات عملی آیت الله خامنه‌ای رحمته الله بحث از حقیقت و چیستی «ایمان» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به نظر ایشان، «ایمان» وابستگی فکری، اعتقادی و روانی و گروهی قلبی به مطلب یا شخص و یا مرکزی است که با عمل منطبق با آن گروه و با پایبندی به لوازم و تعهدات آن پرورش باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۶۳)؛ ایشان



همچنین در بیان دیگری می‌گویند ایمان، یعنی باور و به‌وضوح مطلب را پذیرفتن و قبول کردن و دنبال جاذبه آن حرکت کردن (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۸۸). از بیان ایشان در توصیف ایمان استفاده می‌شود که چند عنصر در درون ایمان نهفته است:

۱. باورمندی به یک متعلق خارجی
 ۲. جاذبه و گرایش پیدا کردن به یک متعلق
 ۳. حرکت و عمل متناسب با آن باور و جاذبه در جهت متعلق ایمان
 ۴. پایبند بودن به تعهدات و مسئولیت‌های برآمده از باورها و گرایش‌ها.
- اگر این چهار عنصر جمع شود، ایمان یک حقیقت زاینده است و «مثل سرچشمه فیاض عمل می‌زاید، ایمانی همراه تعهد، ایمانی که باری بر دوش مؤمن می‌گذارد، ایمانی که همراهش عمل است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰)؛ براین اساس، «ایمان» مقوله تشکیکی و دارای درجات و مراتب است و بر اساس میزان زایش عمل و پایبندی به تعهدات و الزامات ایمان در عرصه فردی و اجتماعی، می‌توان ایمان را طبقه‌بندی کرد. به نظر ایشان، ایمان امری مجرد و بریده از عمل و تعهد نیست و اگر فردی در خود تعهدی احساس نکرد باید در ایمان خود تردید کند، هرچند عمل‌زایی و تعهدآفرینی ثمر ایمان است؛ اما هر باور و ایمانی به هر عمل و حرکتی و به هر میزان پایبندی متعهدانه و قبول مسئولیت‌های بزرگ انسانی نمی‌انجامد، بلکه هر ایمانی از ظرفیت و استعداد خاصی برخوردار است. آنچه تعیین‌بخش کمیت و کیفیت عمل‌زایی و تعهدآفرینی ایمان است، عنصر آگاهی و بصیرت است؛ براین اساس، ایشان ایمان را به دو قسم متمایز تقسیم می‌کند: ایمان آگاهانه‌ای که محصول بصیرت و توأم با درک و شعور، با چشم باز و بدون ترس از تحقیق و پرسش از ایمان است. در مقابل، ایمان ناآگاهانه، کورکورانه، تقلیدی و متعصبانه است که یا به عمل منتهی نمی‌شود و یا به عملی روی می‌آورد که با افراط‌ها و تفریط همراه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۸۶ و ۹۲)

ایشان از میان این دو نوع ایمان، بر اصالت و ارزش نوع اول از ایمان نظر دارد و آن



را مقصود اسلام و منتج به اهداف متعالی دین می‌داند؛ یعنی ایمان آگاهانه و از سر شعور است که بر بصیرت و عقلانیت تکیه دارد؛ براین اساس، اساس «ایمان» متضمن نوعی از آگاهی عمیق و بصیرت دینی است که به انسان فلسفه فکری و به زندگی معنا و به مناسبات اجتماعی الهام می‌دهد و بنیان‌های شخصیت و کنش آدمی را به واسطه نیروی خرد و قوه فهمیدن بر پایه‌های صحیح و مستحکم می‌سازد. یک ایمان آگاهانه و بر پایه عقلانیت و خرد، منتج به عمل صحیح و آفریننده پایبندی به تعهدات و مسئولیت‌های ایمانی می‌شود؛ بنابراین، دوام و زوال ایمان به آگاهی و استحکام فکری وابسته است. اگر ایمان آگاهانه باشد و دائماً به فرد مؤمن آگاهی داده شود تا آن مایه آگاهی خوب در مغزها، فکرها و دل‌ها بنشیند و به یک بنیاد صحیح و مستحکم تبدیل شود، در این صورت این ایمان زائل‌شدنی نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۸۹؛ همو، ۱۴۰۰، ص ۴۷۰). بر اساس این طرح، جوهره و رکن ایمان آگاهی و معرفت از روی فکر و با محاسبه‌های صحیح عقلانی است که وقتی در ذهن و قلب آدمی رسوخ یافت به گرایش قلبی و معنویت تبدیل می‌شود و نهایتاً به عمل می‌انجامد. ایمانی که مجرد بماند، زاینده نباشد و به عمل نرسیده باشد نشانگر آن است که بنیان‌های معرفتی و قلبی آن درست بنا نشده است.

ایمان آگاهانه و متکی به دلیل موجب می‌شود که اراده انسان شکوفا شود و بر دوش خود رسالت و مسئولیتی احساس کند و تسلیم جریان طبیعی زندگی و تسلیم مصائب و شرایط پیرامونی نشود و در برابر دشمن سرخم نکند و به ذلت، خودکشی، نابودکردن خود و جامعه و افساد در زمین فکر هم نکند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۶۹). ایمان آگاهانه موجب حرکت و تلاش انسان برای ساخت جامعه می‌شود و سودجویی شخصی و منفعت‌گرایی متجاوزانه و متعدیانه را کنار بگذارد و به جای آن تعهد «همگانی»، «همه‌جایی» و «همیشگی» را اساس کار خود قرار دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۱۹). همگانی است، یعنی شخصی نیست. همه‌جایی است، یعنی متعلق به یک سرزمین و قومیت خاص نیست و همیشگی است، یعنی



زمانبردار، گاه‌گاهی و دل‌بخواهی و تابع جو و احساسات شخصی نیست که اگر کسی دلش سوخت و تحت یک فضای روانی بود دم از محبت به مردم بزند و اقدام و حرکتی متعهدانه داشته باشد؛ اما اگر احساسات و نفع‌های شخصی نبود از کار خیر و محبت به مردم دیگر خبری نباشد، بلکه دین آگاهانه و متعهدانه یک حرکت مستمر، پویا و تابع عقلانیت است و بر احساسات و منافع استوار نیست، بلکه همواره برای مراعات عدالت اجتماعی، مراعات حال طبقات مظلوم و محروم برای بالاآوردن سطح فکر و اندیشه مردم در خود تعهدی احساس می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۱۲۰-۱۲۱).

۶. جامعه ایمانی بستر مناسب عمل مؤمنانه

در الهیات آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه همان‌گونه که مراعات عدالت اجتماعی و کمک به محرومان و مظلومان یک اصل اساسی و نشانه ایمان است، انظلام و پذیرش ظلم هم مردود است و چنین نیست که ایمان با رنج‌کشی و کتک خوردن و شکنجه شدن ملازم باشد. به نظر ایشان، اینکه کسی این‌ها را ملازم هم بداند خلاف منطق قرآن کریم است. دین برای پیشرفت، حرکت، عزت و خلافت مستضعفان بر جهان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱۳۱). درحقیقت، ایمان دینی ایمان زاینده عمل و سازنده اجتماع است؛ چون دین همان صراط مستقیم و برنامه فطری است و بر اساس شناخت صحیحی از نیازها، کمبودها و امکانات و مقدرات طبیعی انسان، راهی را به روی مردم گشوده است تا بدون دخالت قدرت‌نمایی‌ها و زور حکومت‌های جائرانه و «در قالب یک «نظام اجتماعی» در زندگی انسان پیاده شود و عینیت یابد، برای آنان رفاه و امن و آزادی و تعاون و تکافل و محبت و برادری به ارمغان آورد و به همه شوربختی‌های دیرین بشریت پایان دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۲۸). هدف الهیات نمی‌تواند فقط رفاه مادی و آبادی دنیا باشد و فقط در آن جعل و فقر و تبعیض نباشد. اگرچه این مهم است، اما سطح بالاتری هم باید در آن توجه داشت؛ به خصوص آنکه رسیدن به این امور مادی و دنیایی هم در پرتو یک حقیقت معنایی



و سطح متعالی از حیات ممکن است. مکاتب الهی این امور دنیوی و مادی را هدف وسطی و نزدیک می‌دانند؛ بلکه هدف عالی پیراسته شدن انسان و پیشرفت و تعالی دائمی اوست (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۳۸۱-۳۸۳). ساختن انسان، پیراستن از بدی‌ها و آراستن به نیکی‌ها و خوبی‌ها (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۳۸۶) در یک محیط متناسب و مساعد ممکن است. از اینجاست که الهیات عملی با الهیات اجتماعی و به تعبیر دقیق‌تر الهیات ناظر به جامعه و نظامات اجتماعی انسان‌گه می‌خورد. الهیات عملی زمانی می‌تواند به آثار واقعی و درست خود برسد که در بستر یک نظام اجتماعی دینی و در متن روابط مؤمنانه شکل بگیرد. عمل دینی و وظایفی که دین بر دوش انسان نهاده تا وسیله و راهی باشد برای زندگی مؤمنانه، با نشاط و با امنیت و گشوده شدن سرچشمه‌های استعداد در وجود آدمی، به میدان و فضای مناسبی نیازمند است تا در آن فضای مناسب همگان بتوانند عمل مؤمنانه داشته باشند؛ از این رو، ساختن و پرداختن محیط و جامعه دینی اولین و نزدیک‌ترین هدف ادیان الهی و انبیاء بزرگ بوده است تا میدان و فضای مناسبی برای پیمودن این راه و رسیدن به آن اهداف و انجام فراهم شود. (خامنه‌ای، ۱۳۵۸، ص ۹) به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، انبیاء علیهم السلام در پاسخ به این پرسش که «چگونه می‌توان انسان‌ها را بر طبق الگوهای صحیح الهی تربیت کرد»، فقط یک جواب دارند و آن جواب این است:

«برای ساختن انسان باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پروراند، تربیت کرد و بس. انبیا می‌گویند دانه دانه نمی‌شود قالب گرفت، کارخانه باید درست کرد. انبیا می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را درست کنیم، شب می‌شود و عمر می‌گذرد؛ جامعه لازم است، نظامی لازم است، باید در مگنه یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین است و بس» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۳۸۴).

عمل مؤمنانه همان «شجره طیبه» است که متعلق به یک نظم طبیعی و بستر مناسبی است و در آن بستر و تحت آن نظم ریشه می‌دواند و ثمر می‌دهد. اگر این



درخت در سرزمین دیگری و تحت نظم طبیعی متفاوتی قرار گیرد، نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته است ریشه بدواند و ثمر بدهد. عمل مؤمنانه و حیات ایمانی تحت خط و مشی‌های جاهلانه و نظم طاغوتی نمی‌تواند به ثمر بنشیند، چراکه آن نظم‌ها همانند «تور نامرئی» اراده و کرامت انسان را تضعیف می‌کند و به طرف استضعاف، جهل و بهره‌کشی می‌کشاند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۶۲۱-۶۳۰)؛ بنابراین، ساخت جامعه دینی برپایه هم‌بستگی ایمانی یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری عمل مؤمنانه حداکثری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۷۵).

۷. توحید زیرساخت ایمان سازنده

با توجه به این اصل که هر درجه از ایمان سطحی از عمل و تعهدات را تولید می‌کند این پرسش مطرح می‌شود که کدام ایمان می‌تواند عمل سازنده اجتماعی و تعهد جامع و مسئولیت‌پذیری گسترده مؤمنانه را به همراه داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، باید به این مسئله توجه کرد که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، ایمان یک باور و گرایش دارای متعلق خارجی و حیث التفاطی است و هویت خود را از متعلقش می‌گیرد؛ بنابراین، کمیت و کیفیت سازندگی ایمان به متعلق ایمان و میزان آگاهی از آن و ارتباط قلبی با آن است. آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام متعلق اصیل ایمان سازنده را باور به خدا و اعتقاد به هدف‌داری نظام خلقت و بیهوده نبودن جهان و زندگی انسان می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۹۰-۹۱). به عقیده ایشان، اگر ایمان به توحید بود، همه آرمان‌های والای علمی و اجتماعی و دنیایی هم به وجود خواهد آمد؛ اما اگر ایمان به خدا و جریان فرهنگی دینی الهی و معنوی در جامعه‌ای وجود نداشت، علی‌رغم رشد علمی، اقتصادی و فناوری دوری از صلاح انسانیت، عدالت، معنویت، اخلاق و فضیلت هم بیشتر می‌شود و مسیر جامعه در مسیر انحرافات اخلاقی و روابط ظالمانه اجتماعی قرار خواهد گرفت و به استعمار فکری، فرهنگی و اقتصادی سایر جوامع روی خواهد آورد و جوامع را فاسد، ملت‌ها را خوار و خفیف و محیط زیست را به نابودی می‌کشاند.



□ الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی □

۱۷۱

«وقتی رگه هدایت معنوی و جریان متنفذ فرهنگی سالم در جامعه‌یی غایب بود، نتیجه این می‌شود؛ گناه بزرگ تمدن غربی همین بود ... مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه با خرافات و علمی کردن همه روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه دنیایی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

ایشان در ریشه‌یابی مشکلات انسان امروز و تمدن مدرن در عرصه نظر و عمل همچون مسئله عدالت، آزادی، اخلاق، خانواده، محیط زیست و بحران‌های اقتصادی، بر این نکته تأکید دارند که همه این بحران‌های پیچیده برآمده از دوری انسان مدرن از آموزه‌های ادیان توحیدی به خصوص ایمان توحیدی و شبکه مفهومی و نظام معنایی برآمده از آن است. امروزه به جهت بنیان‌های فلسفی اومانیستی و سکولاریستی، دست بشریت از معارف انبیا کوتاه شده است و در ذیل اندیشه ماتریالیستی، زندگی و هویت خود را معنا کرده است. به نظر ایشان، الهیات سکولاریستی که دین را به حوزه‌های شخصی محدود کرده است و عمل دینی را به انجام یک سلسله خدمات خیریه‌ای و رفاهی تقلیل داده است نیز نمی‌تواند بشریت امروز را از فروبست‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی نجات دهد؛ نهایت ثمر این‌گونه اقدامات و کارها مانند داروی مسکنی است که موجب فراموشی درد و غفلت از بیماری می‌شود، زیرا ساختارهای نامرئی جامعه جاهلی و روابط طاغوتی افراد مؤمن و اقدامات مؤمنانه را با هزاران پیوند و رابطه به قدرت طاغوتی و نظم اجتماعی مستقر وابسته می‌سازند و آن‌ها را با تور نامرئی نظم جاهلی محاصره و کنترل و راهبری می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۵۴، ص ۱۱۶؛ همو، ۱۳۹۵، ص ۶۳۵). آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله اساس این انحراف جامعه غربی را در محتوا و ساختار الهیاتی کلیسا در قرون وسطی و عصر رنسانس تحلیل می‌کنند و معتقدند دوری ایمان از عقلانیت و گسترش خرافات در جامعه دینی و همچنین ستیز با علم و پیشرفت علمی و مادی موجب شد که تمدن غربی به چنین وضعیتی دچار شود:

«روحانیتی که غرب قبل از رنسانس اروپا به آن دچار بود، آن کج فکری‌ها، آن



واپسگرایی‌ها، آن تعصب‌های عنادآمیز و به‌کلی دور از عقل و منطق، واکنش همین‌ها هم بود. وقتی با علم و پیشرفت مخالفت می‌کردند و انسان‌ها را به جرایم موهوم، زنده‌زنده در آتش می‌سوزاندند، این مربوط به همین دو سه قرن پیش اروپاست؛ مال خیلی قدیم نیست، وقتی خرافات زشت بر همه شئون فکری و معنوی اروپا و کلیسای آن روز حاکم بود، نتیجه‌اش می‌شود همین چیزی که در اروپا پیش آمد و اروپا را در این سرایش انداخت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

بنابراین، راه نجات بشریت و علاج بحران‌های لاعلاج تمدن امروز را از طریق بازگشت به سرچشمه‌های اصیل دین و زدودن آن از خرافات، جهالت‌ها و غفلت از روح معارف دینی باید جست‌وجو کرد.

۸. الهیات اجتماعی و طراحی افق‌های عمل مؤمنانه

آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام با طرح این پرسش که علی‌رغم باور بسیاری از متفکران جهان به اینکه بحران تمدن مدرن بحران معنویت و خلأ اعتقادی است، «چرا الهیات سنتی در رهایی‌بخشی انسان از این بحران‌های پیچیده چندان موفق نبوده است و همچنان جوانان و متفکران نسبت به کارآمدی ادیان با ابهام و تردید مواجه هستند؟» به عقیده ایشان نسل امروز به جهت شناخت سطحی که از دین دارد و به جهت آنچه به عنوان دین به خورد جامعه داده می‌شود از مکتب الهی سرخوردگی فکری و روحی پیدا کرده است. این روی‌گردانی از باب لجاجت با خدا و یا اقامه استدلال قانع‌کننده فکری بر انکار وجود خدا نیست. به همین دلیل این روی‌گردانی بر اثر نداشتن یک فلسفه خردپسند الهیاتی و یا بر اثر داشتن یک فلسفه خردپسند ماتریالیستی نیست، بلکه به این نتیجه رسیده است که «بنای امروزی جهان و اراده انسان‌ها و استقرار عدل و برداشتن تبعیض، جز در سایه یک طرز فکر مادی و ماتریالیستی امکان ندارد ... امروز این مکتب مادی بهتر می‌تواند دنیا را اداره کند. می‌گوید بهتر می‌تواند ظلم را از بین ببرد، بهتر می‌تواند تبعیض و نابرابری را نابود کند، بهتر می‌توان ظلم و خودکامگی را ریشه‌کن و زایل و فانی کند. می‌گوید دین



این کارها را نمی‌تواند بکند» و مکتب الهیون از این ظرفیت برخوردار نیست لذا از آن رو برگردانده است. ایشان ضعف آگاهی نسل جدید از حقیقت دین و اکتفا کردن به تفسیرهای کوچه بازاری و رسانه‌ای از دین را از جمله عوامل این روی گردانی می‌دانند، چراکه با نشان دادن چهره ناقص و مشوشی از این موجبات این توهم را فراهم کرده است که دین با ظلم و ظالم کنار می‌آید و ذره‌ای سود به حال زندگی مردم ندارد و نمی‌تواند گره‌ای از کار فرو بسته مردم بگشاید (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، صص ۲۰۱-۲۰۳)؛ اما ایشان در یک تحلیل عمیق تر لایه دیگری از ایجاد این آسیب را آشکار می‌کنند و آن روی آوردن عالمان دین به مباحث انتزاعی و استدلالات فلسفی و تفریع فروع کم در فلسفه و کلام است و همین موجب شده است که تفسیری ذهنی و بی‌مسئولیت از توحید و سایر مفاهیم ارائه و به جامعه عرضه شود و چون این بحث‌ها فارغ از ارتباطات با دنیای واقعیت و خارج است به صورت مجرد و بی‌اثر باقی می‌ماند و نمی‌تواند به عمل مجاهدانه و رستاخیز اجتماعی منتهی شود (همان، ص ۲۲۸)؛ بنابراین، در دستگاه الهیاتی بیش از هر مسئله‌ای باید درصدد ارائه دریافت و برداشتی از دین بود که دین در سازندگی زندگی (همان، ص ۱۸۷) و شناخت طرح‌های عملی برای جامعه (همان، ص ۱۹۱) مفید باشد؛ بنابراین، ارائه دین به عنوان «بینش فلسفی و زیربنایی» و «قاعده اساسی تمام طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی ساز» (همان، ص ۱۹۷) یکی از فوری‌ترین نیازهای جامعه است و رسالت الهیات اجتماعی «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک‌آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها» (همان، ص ۳۳) است؛ از این رو، در تبیین معارف آن لازم است:

«مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد، مورد مطالعه قرار گیرد و هریک به لحاظ آنکه جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هم‌آهنگ و مرتبط است و نه جدا و بی‌ارتباط با دیگر اجزا بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه‌جانبه‌ای از دین به صورت یک ایدئولوژی کامل و



بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبعدی انسان استنتاج شود»
(همان، ص ۳۴).

بنابراین، هر بخش از دین تا اندازه‌ای حاوی کل است (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۰).
آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در تأملات الهیاتی خود بر این اعتقادند که مفهوم «توحید»
جامع‌ترین مفهوم دین اسلام است که جامع همه معانی و مفاهیم اسلامی و
آرمان‌های بشری است که از قدرت سازندگی فردی و اجتماعی برخوردار و شیوه‌ای
برای زیست انسانی است:

«توحید، غیر از آنکه یک بینش فلسفی است، یک شناخت علم‌زا و زندگی‌ساز
نیز هست؛ یعنی عقیده‌ای است که بنای زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باید
بر پایه آن نهاده شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۲۳۹).

بر این مبنا، توحید در فرهنگ الهیاتی قرآن تنها نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول
نیست، بلکه میان ابعاد مختلف حیات انسان از جمله ذهن و واقع، اندیشه و عمل
وحدت و یکپارچگی ایجاد می‌کند و یکپارچگی و وحدت را بر قلمرو هستی و
زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌گستراند (خامنه‌ای، بی‌تا، ص ۱۱) و این مفهوم
می‌تواند پایگاه محکم ساخت جامعه دینی و تکیه‌گاه عمل مؤمنانه باشد، چراکه در
دل توحید، نمادهای روانی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی
نهفته است و همچنین یک دکترین اجتماعی و پیشنهاد قواره و قالبی برای زندگی
و جامعه انسانی است که خطوط اصلی و اصول بنیانی آن‌ها را بیان می‌کند و انسان
را از جامعه‌های ناسازوار و بی‌قواره جاهلی و طاغوتی که بر جهل استوارند، می‌رهاند
و زندگی را کد انسان در اجتماع را دگرگون می‌سازد؛ بنابراین، توحید سازنده «یک
نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوین است».

جمع‌بندی

در طرح الهیاتی آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام از معارف اسلامی که در ادامه نهضت فکری
احیای تفکر دینی شکل گرفته است، مفهوم «عمل» انسان از اهمیت ویژه‌ای



□ الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی □

۱۷۵

برخوردار است و فلسفه بودن آدمی را می‌سازد، اما هستی معنایی آن را «ایمان» می‌سازد؛ از این رو، ایمان سکوی پرش حرکت و تلاش آدمی است. در این نگرش، جوهره ایمان دینی را آگاهی برآمده از خرد و گرایش برآمده از آگاهی و حکمت تشکیل می‌دهد که اگر چنین ایمانی در فرد و جامعه‌ای ظهور کند، موجبات عمل مؤمنانه و پایبندی به تعهدات فردی و اجتماعی گسترده‌ای را فراهم می‌کند. حقیقت «توحید» مهم‌ترین و جامع‌ترین متعلق ایمان دینی و هسته مرکزی آن است که عیار سنجش ایمان و دکتترین اجتماعی ادیان توحیدی است. این طرح الهیات اجتماعی توحیدی که بر پایه مفهوم «عمل» آغاز می‌شود و با محوریت حقیقت «توحید» به طرح ساخت «جامعه توحیدی» و «اجتماع ایمانی» می‌انجامد، می‌تواند معنابخش و زیرساخت الهیات عملی باشد؛ بر این اساس، می‌توان مجموع مباحث آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه درباره موضوعات مرتبط با الهیات عملی همچون خانواده، محیط زیست، امیدواری در شرایط سخت اقتصادی، الهیات پزشکی و کمک‌های مؤمنانه در ایام همه‌گیری بیماری کرونا را تحلیل کرد.



منابع

۱. ایزتسو، توشی هیکو (۱۳۸۹)، *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*، (زهرا پورسینا: مترجم)، تهران: سروش.
۲. بهبودی، هدایت الله (۱۳۹۱)، *شرح اسم (زندگی نامه آیت الله سیدعلی حسینی خامنه ای)*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۳. حداد عادل، غلام علی (۱۳۹۰)، *فرهیختگی رهبر، تحت الشعاع رهبری سیاسی ایشان ناشناخته ماند، تداوم آفتاب*، تهران: مؤسسه جام جم.
۴. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۵۴)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. (۱۳۵۸)، *گفتاری در باب صبر*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی امت.
۶. (۱۳۷۵)، *از ژرفای نماز*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. (۱۳۹۵)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: صهبا.
۸. (۱۳۹۶)، *جریان روشن فکری اسلامی در ایران*، قم: صهبا.
۹. (۱۴۰۰)، *تفسیر سوره براءت*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۰.، *بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت*، (۱۳۸۴/۶/۸).
۱۱.، *بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی*، (۱۳۸۳/۳/۲۲).
۱۲.، *بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان*، (۱۳۷۸/۲/۴).
۱۳.، *بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*، (۱۳۹۸/۸/۲۴).
۱۴.، *بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم*، (۱۳۹۱/۳/۲۴).
۱۵.، (بی تا)، *روح توحید نفی عبودیت غیر خدا*، بی جا: بی نا.
۱۶. خمینی، (امام خمینی) سیدروح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. (۱۳۸۱)، *تقریرات فلسفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.



□ الهیات اجتماعی؛ زیرساخت الهیات عملی از منظر آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی □

۱۷۷

۱۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیادین حیات دینی*، (باقر پرهام: مترجم)، تهران: نشر مرکز.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: اسماعیلیان.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *احیای تفکر اسلامی*، تهران: صدرا.
۲۱. (۱۳۹۱)، *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا.
۲۲. (۱۳۹۴)، *گزین از ایمان گریز از عمل*، تهران: صدرا.
۲۳. همیلتون، ملکم (۱۳۹۲)، *جامعه شناسی دین*، (محسن ثلاثی: مترجم)، تهران: ثالث.